

راهبرد تبلیغاتی حمله نظامی در حالی مطرح می‌شود که ایران در جنگ ۱۲ روزه از آن پیروز بیرون آمد

آزموده را آزمودن خطاست!



📷 جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه در قالب عملیات بشارت فتح، مقررماندهی مرکزی ارتش امریکا در غرب آسیا را واقع در پایگاه العدید هدف حملات موشکی قرار داد.

سرمقاله

به خود بگیرد، ایران امروز آماده‌تر از ایران جنگ ۱۲ روزه پاسخ تجاوز را خواهد داد، چنانچه هفت ماه قبل این کار را هم در سرزمین‌های اشغالی، هم در پایگاه آمریکایی انجام داد:

«(اینکه یک ملت، یک کشور، یک نیروی نظامی در یک کشور، در خودش این اعتماد به نفس را ملاحظه کند که آماده است با قدرت آمریکا و سگ زنجیری اش در منطقه [یعنی رژیم صهیونی، سینه به سینه و روبه‌رو بشود، نفس این اراده، نفس این اعتماد به نفس، یک ارزش بسیار بسیار مهمی است... همه باید بدانند-هم دوستان ما بدانند، هم دشمنان ما بدانند، هم خود ملت ایران بدانند که میدانند- این است که ملت ایران در هیچ میدانی به صورت طرف ضعیف ظاهر نخواهد شد چون ما همه ای ابزارهای لازم را داریم؛ هم منطق داریم، هم نیرو داریم... البته جنگ، زدن و خوردن دارد؛ معلوم است. در جنگ، هم زدن هست، هم خوردن هست؛ نمی‌شود توقع داشت که در جنگ حادثه‌ای پیش نیاید؛ ولیکن دستان محمدالله رز است. ۱۴۰۴/۰۴/۲۵» ■

همهٔ منافع محور آمریکایی-صهیونی هدف مشروع نیروهای مسلح ایران خواهند بود.

مقاومت ملی مردم ایران در جنگ ۱۲ روزه و پشتیبانی و حمایت یکپارچهٔ آنها از سبلی محکم نیروهای مسلح بود که توان کشور را برای شکستن گردن دشمن مضاعف کرد. مردمی که همان مردم جنگ ۱۲ روزه هستند. حتی معترضان به وضعیت معیشتی هم بعد از مشاهدهٔ سوء استفادهٔ دشمن صف خود را از تئوریست‌ها جدا کردند. انسجامی که در حضور سراسری در روز ۲۵ دی هم مجدداً به نمایش در خواهد آمد. همین عقیدهٔ مردمی و انسجام است که دست نیروهای مسلح را قدرتمندتر کرده است. قوتی که حالا می‌تواند ضربات دردناک‌تری به محور آمریکایی-صهیونی بزند. جمهوری اسلامی ایران در دفاع از تمامیت ارضی، امنیت ملی و منافع خودش تعارف و هراسی ندارد؛ فرقی هم ندارد تئوریست مزدور مسلح اجیرشدهٔ دشمن در کف خیابان روبرویش باشد یا منافع دشمن آمریکایی-صهیونی در منطقه و سرزمین‌های اشغالی. حماقت دشمن اگر رنگ واقعیت

نگه داشت. دمیدن بر طبل احتمال حملهٔ نظامی را چنین فضایی معناداری می‌شود. این راهبرد تبلیغاتی مایهٔ روحیه هسته‌های توربینی مسلح شده و پروژهٔ آشوب را ولو با حیات نباتی زنده نگه می‌دارد.

نکتهٔ قابل توجه دیگر آن که این راهبرد رسانه‌ای در حالی با هدف هراس افکنی و ایجاد ترس اجرایی می‌شود که محور آمریکاییکی صهیونی میزان تأثیرگذاری آن رایک بار در جنگ ۱۲ روزهٔ آزمایش کرده است. آزمایشی که البته منجر به خم شدن ایران نشد. ایرانی‌ها اگر اهل کوتاه آمدن در برابر حملهٔ نظامی دشمن بودند باید در جنگ ۱۲ روزه کوتاه می‌آمدند. این واقعیت سوای آن است که شرایط فعلی کشور هم از نظر دفاعی به شدت نسبت به جنگ ۱۲ روزه متفاوت است. حسب اعلام رئیس‌جمهور و دبیر شورای عالی امنیت ملی، وضعیت دفاعی کشور از نظر کمی، کیفی، تجهیزات و ساز و برگ‌های نظامی به شدت نسبت به جنگ ۱۲ روزه ارتقا پیدا کرده است. رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در سخنان روز یکشنبهٔ خود تأکید کرد کرد که در صورت اشتباه محاسباتی دشمن،

﴿ ۵۶ ﴾ «میرا» شدن آشوب‌های مسلحانهٔ خیابانی که با هدایت تروریست‌های وابسته به سرویس‌های امنیتی خارجی انجام می‌گرفت اتاق عملیات پروژهٔ آشوب را به تغییر راهبرد وادار کرده است: «پررنگ کردن احتمال حملهٔ نظامی آمریکا به ایران!» تحلیل این راهبرد به نتایج قابل تأملی ختم می‌شود. نخست آن که نفس این تغییر راهبرد حاوی یک معنای مشخص است. اینکه اتاق عملیات سرویس‌های امنیتی دشمن به این نتیجه رسیده که گسترش پروژهٔ آشوب متوقف و طرح خشونت آمیزش در کف خیابان به شدت نزولی شده است.

طرح نه نهادار مرحلهٔ گسترش خودشکست خورده بلکه رخدادهای داعش گونهٔ هسته‌های عملیاتی‌اش هم به نسبت چند روز قبل، مهار و تحت کنترل درآمده است. هسته‌های عملیاتی تروریستی قرار بود با گسترش عرض و کمی و کیفی اقدامات‌شان، کشور را به سمت جنگ داخلی و تجزیه پیش ببرند. آن طرح جاه‌طلبانه اما حالا به معدود اقدامات پارتیزانی و نقطه‌ای محدود شده است. آشوب «میرا» شده، پس باید به مدد تنفیص مصنوعی آن راننده


 ﴿إِنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ﴾! این صدای ملت قهرمان ایران است. ما ایستادگی در برابر ظالم را از امام حسین علیه السلام آموخته ایم. شاید دشمنان بتوانند عده‌ای از ما را شهید کنند، اما ظلم ناپذیری و تسلیم ناپذیری یک تفکر است و تفکر

رادیونگار

ملت ایران را نمی شناسند

مهدی فضائلی
کارشناس مسائل سیاسی



«(اشتباه محاسباتی دشمن)» زمانی رخ می دهد که یک تصمیم سیاسی، نظامی یا امنیتی علیه ایران با هدفی مشخص اتخاذ می شود، اما در نهایت به نتیجه مورد انتظار طراحانش نمی رسد. دشمن پیش از هر اقدام، برآوردهایی انجام می دهد و بر اساس آن ها تصمیم می گیرد؛ تصمیمی که قرار است به هدفی بزرگ تر مانند تضعیف یا حتی براندازی نظام منجر شود. اگر این هدف محقق نشود، حتی با وجود آسیب هایی که به کشور وارد شده، آن تصمیم یک خطای محاسباتی محسوب می شود. در گذشته، چنین خطاهایی بارها تکرار شده است؛ از شکست عملیات طمس و محاسبات نادرست در جنگ تحمیلی تا ناکامی در عملیات مرصاد، فتنه ۸۸ و تحریم های موسوم به «فلج کننده»، در همه این موارد، فشار بر مردم و کشور وجود داشت، اما هدف دشمن محقق نشد. در جنگ ۱۷ روزه نیز که سال ها برای آن برنامه ریزی شده بود، هدف فقط ترور فرماندهان یا حمله به مراکز حساس نبود، بلکه فروپاشی نظام دنبال می شد؛ هدفی که محقق نشد، هرچند دشمن همچنان در میدان رسانه می کوشد شکست خود را پیروزی جلوه دهد.

آشوبگران به دختر سه ساله هم رحم نکردند



فرزند ایران

تا حریم سحر

اشک امانش را می برد، دلش برای رقیفش سالارو آن روزها تنگ می شود؛ برای ساعت های حضورشان در پادگان، برای شیطنت ها و خنده ها، تقریباً هم سن و سال بودند؛ سالار ۲۳ دی ماه ۱۳۷۶ به دنیا آمده بود و او یک سال دیرتر، حالا داشت خودش را به آهر می رساند، می خواست وقتی برگه ای پایان خدمتش را به خانواده اش می دهند، آن جا باشد، چقدر این شش ماه زود گذشته بود... با خودش زمزمه میکند: «کاش هیچ وقت دوم تیرماه ۱۴۰۴ از راه نمی رسید.» همه مسیر را مدام به این فکر می کرد که بعد از سالار باید چه کند، هنوز نفهمیده بود چگونه رفاقتشان این قدر زود عمیق شده بود، یاد شب قبل از شهادتش در پادگان افتاد؛ سالار گفته بود باید زودتر برود خانه تا با خاله هایش خدا حافظی کند...

به محل تولد سالار رسید، همه جمع بودند؛ آدم هایی که هیچ نسبت و سنخیتی با هم نداشتند، اما نقطه ای اتصالشان سالار بود، سالار برای هرکسی نسخه ای خودش را داشت و با همه مهربان بود، سید سالار موسوی نژاد برای آن ها فقط یک دوست نبود؛ دانشجوی دکتری مهندسی عمران نبود؛ بخشی از زندگی شان بود که در حمله ای اسرائیل به پادگان کرچ به شهادت رسید.

نجمه جوادی

 نجمه جوادی